

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

اشکال ششم به راه هفتم

يکي از اشکالات ديگري که به اين راه هفتم وارد شده که به حسب آن ترتيبی که ما داريم عرض ميکنيم اشکال ششم محسوب مي شود اين است که ما اگر بخواهيم نقصان قدرت خريد و قيمت نقد را بگوئيم متعلق براي ضمان است، اين مستلزم تجويز را به مقدار نرخ تورّم است. توضيح مطلب اين است که اگر در يك جامعه يا کشوري نرخ تورّم 20 درصد باشد، اگر کسي آمد پول خودش را قرض داد و گفت من هزار تومان را به شما قرض مي دهم و يك سال ديگر که براي من آوردي به اندازه ي اين نرخ تورّم شما اضافه کن، يعني 20 درصد به اين هزار تومان اضافه کن، 1200 تومان به من برگردان. اينجا بايد بگوئيم اشکالي ندارد براي اينکه 1200 تومان در حقيقت همان هزار تومان سال گذشته است، اين اضافه ي بر آن نيست، بنابراين اگر در پول کاغذي، اگر در اوراق نقدي ملاک همان قدرت خريد باشد و ملاک همان قوّت شرايعه باشد و ما بگوئيم که اين قدرت خريد عنوان جنس تقيدی را دارد و متعلق براي ضمان است، اين قدرت خريد در اثر تورّم نوسان پيدا مي کند و ما بايد بگوئيم مقدار نرخ تورّم هر سال اضافه مي شود، يعني هزار تومان پارسال 1200 تومان حالا است، 1200 تومان حالا 1500 تومان سال آينده است، نه اينکه بگوئيم اينها زياده و اضافه است، لذا بايد بگوئيم اين اصلاً را نيست. در نتيجه بگوئيم دايره ي را از آنجايي است که کسي از نرخ تورّم بالاتر بخواهد بگيرد، مثلاً 20 درصد نرخ تورّم است، اين اگر هزار تومان بدهد و 1200 تومان بگيرد را نيست اما اگر هزار تومان بدهد و 1250 تومان بخواهد بگيرد اين 50 تومان عنوان را دارد. و هکذا بايد در باب خمس هم يك چنين مطلبي را گفت، نه فقط در مسئله ي را اين مسئله مطرح مي شود، در باب خمس هم بايد مطرح شود به اين معنا که اگر کسي در سال گذشته هزار تومان سرمايه داشته، الآن بايد تورّم را حساب کنيم، ديديم مثلاً الآن شده 1200 تومان، 20 درصد اضافه شده. و تورّم هم 20 درصد است، بگوئيم اينجا اين 20 درصد متعلق خمس نيست.

براي اينکه اين 20 درصد عنوان اضافه را ندارد، اين 20 درصد عنوان نرخ تورّم را دارد و در نتيجه کسي که سال گذشته هزار تومان داشته الآن 1200 تومان دارد، به اين 200 تومان نبايد خمس تعلق پيدا کند. پس ما اگر در باب اوراق نقدي و پول کاغذي، ملاک را خودش قرار بدهيم. مي گوئيم اگر هزار تومان قرض دادي گفتي 1200 تومان به من برگردان مي شود را و حرام، اما اگر ملاک را قدرت خريد و آن صحبت مالي اش آمديم قرار داديم چون هزار تومان با رعايت حساب نرخ تورّم مي شود 1200 تومان، اگر کسي هزار تومان قرض داد و گفت 1200 تومان سال آينده به من بده بايد را باشد. و هکذا اگر کسي سال گذشته هزار تومان داشت و الآن 1200 تومان دارد اين 200 تومان نبايد متعلق خمس باشد. اگر از اين 200 تومان اضافه تر پيدا کرد آن اضافه اش متعلق براي خمس قرار مي گيرد. در باب قرض هم اگر شما بخواهيد ماليت ملاک باشد، مي گوئيد من هزار تومان قرض دادم، هزار توماني که قدرت مالي اش اين است، اين هزار تومان قدرت مالي امروز سال آينده 1200 تومان، همين قدرت مالي را دارد پس بايد را باشد. نکته : مرحوم شيخ انصاري (اعلي الله مقامه الشريف) مي گفت بعضي از اساتيد ما مي فرمودند در رسائل باب انسداد را بعد از اينکه وسائل تمام شده نوشته و ضميمه کرده و مي گفتند که باب انسداد را دو سه ساله ي آخر

عمرش هم نوشته، حالا من از مرحوم والدمن شنیده بودم آخرین نوشته‌ای که شیخ داشته خیارات بوده، و واقعاً خیارات مخصوصاً هفت هشت ده صفحه‌ای آخرش بسیار بسیار مشکل و دقیق است. حالا می‌خواهم عرض کنم که در رسائل (در انسداد) می‌بینم خود شیخ در آخر می‌گفت رزقنا الله الاجتهاد الذي هو من أشده للجهد، به این آسانی نیست.

جواب از اشکال ششم؛ در این مقاله از این اشکال دو جواب دادند: **جواب اول**؛ جواب دهنده می‌گوید ما ملتزم به این معنا می‌شویم چه اشکالی دارد؟ ما ملتزم می‌شویم به اینکه اگر کسی الآن هزار تومان قرض داد نرخ تورّم را حساب کرد و دید سال آینده هزار تومانی که الآن هست نرخش با 20 درصد می‌شود 1200 تومان، گفت آقا من هزار تومان به شما قرض می‌دهم به شرط اینکه سال آینده 1200 تومان به من بدهید، این جواب دهنده می‌فرماید ما ملتزم می‌شویم که این اشکالی ندارد و این عنوان ربا را ندارد، چرا؟ می‌فرماید «بأنّه لا بأس بالالتزام بذلك؛ لأنّه ليس ربا» ربا از جهت لغوی یعنی زیاده «إذ ليس كل زيادة عينيه أو إسميه ربا في باب القرض» هر زیادی مالی یا اسمی در باب قرض ربا نیست و و إنّما الربا هو الزيادة على رأس المال، أي زيادة مال على أصل المال المسلف» اگر مالی اضافه شود می‌گوید ربا آنجایی است که مال اضافه شود «فلا يشمل إطلاق الآية، أو روايات حرمة الربا؛ إذ الزيادة إن كانت من جهة المالية و القيمة التبادلية فالمفروض مساواتها مع الاصل و هذا لا يصدق في المقام» در مقام کسی که پارسال هزار تومان داشته و امسال 1200 تومان، همان هزار تومان است و اضافه نیست، این مقروض ما این است که این مقدار تورّمی اضافه‌ی مالی نیست این همان است «نتيجة التضخم و هبوط قيمة النقد» اگر زیاده را بگوئیم ملاک زیاده‌ی من حیث المال است، بگویند يك کسی مالش زیاد شد، نرخ تورّم زیاده‌ی مالی حساب نمی‌شود، اگر بگوئیم ملاک در زیاده اسم زیاده است، بگوئیم ده تومان شده بیست تومان، ایشان می‌گویند اسم که عنوان مال را ندارد «ليس مالا» مال به لحاظ قوّت تبادلی و به لحاظ قوّت شرایی است. لذا می‌فرماید یکی از فرق‌های بین کالا و پول همین است شما اگر يك كيلو گندم را به يك كيلو و نیم گندم بفروشی این اضافه است، اگر پارسال يك كيلو گندم داشتی امسال يك كيلو و صد گرم گندم پیدا کنی این اضافه است، اما اگر پارسال هزار تومان داشتی و امسال 1200 تومان این اضافه نیست بلکه همان است.

در اواخر این جواب حرف دیگری دارد که می‌گوید اگر ما بخواهیم این را قبول نکنیم و به این توجهی نکنیم، باب قرض الحسنه بسته می‌شود، برای اینکه این تورّم همیشه در نقود وجود دارد و اگر بگوئیم کسی تورّم را نباید اعمال کند، اگر کسی 20 سال پیش يك میلیون قرض داده حالا هم باید همان يك میلیون را برگرداند، کدام عاقلی می‌خواهد قرض بدهد؟ آدمی که می‌خواهد قرض الحسنه بدهد می‌گوید من اضافه نمی‌خواهم اما از مالی که قبلاً داشتم نمی‌خواهم کم شود، این خلاصه‌ی جواب اول. نقد و بررسی حالا ما قبل از اینکه جواب دوم را ذکر کنیم به نظر ما این جواب، جواب درستی نیست. چرا؟ ما در باب احکام شرعیّه ملاک‌مان عرف است و به عبارت دیگر در احکام شرعیّه ما محاسبات عقلی دقی تجاری را معیار نمی‌دانیم، در بسیاری از احکام همینطور است، حالا مثلاً بگوئیم در این ظرف خون بوده اگر عین نجاست برطرف شده اینجا پاک است، اگر با میکروسکوپ يك ذره‌ای که از سر سوزن هم کمتر است را اینجا ببینند، بر فرض هم باشد، عرف می‌گوید نیست! شارع می‌گوید همین که عرف می‌گوید نیست این پاک است، در احکام شرعیّه ملاک عرف است، عرف در اینجا چه می‌گوید؟ ما همه‌ی حرفمان همین است و خود این جواب دهنده در جواب اشکالات قبلی به این زائده توجه دارد که ملاک در باب احکام شرعیّه عرف است نه حساب‌های دقی اقتصادی عقلی، عرف باید ببینیم چه می‌گوید؟ ما اگر پارسال هزار تومان دادیم و امسال 1200 تومان دادیم، عرف آیا می‌گوید اضافه شد یا نه؟ حالا منشأ اضافه این عنوان تورّم را دارد، عنوان تورّم را از جهت علم اقتصاد اضافه‌ی بر مال نمی‌دانند بلکه خود همان مال تورّم پیدا می‌کند، اینها را عرف کار ندارد، بلکه می‌گوید پارسال هزار تومان داشتم و امسال 1200 تومان دارم، الآن تو می‌گوئی هزار تومان به تو قرض می‌دهم سال آینده 1100 تومان بده، اضافه است.

لذا عرضمان این است که اگر ملاک حساب جدّی عقلی است، این اشکال وارد است و جواب این است که این درست است و باید بگوئیم در اینجا عنوان ربا ندارد، ملاک عرف است، عرف را ربا می‌دانیم، آن وقت در اینکه ملاک عرف است تردیدی نیست ولی بحث این است که آیا عرف - توده‌ی مردم - این محاسبات دقی تجاری را دارند یا نه؟ عرف نمی‌آید این محاسبات را داشته باشد، بله يك آدمی که کارش خوردن ربا است می‌آید برای يك دقیقه و ثانیه برنامه‌ریزی می‌کند، برای روزهای بلند و کوتاه که نرخ

ربا در روزهاي بلند اينقدر و در روزهاي کوتاه اينقدر است، عرف مردم اين کار را نميکنند، يك آدم اينطوري حساب ميکند، مثل يك تاجري که فکر ميکند چطوري اضافه مي شود و سود بيشتري ميگيرد، عرف ميگويد پارسال اينقدر اضافه شده، بايد خمس اين اضافه را داد. شبیه اين بحث در باب طلا، ما ملتزم به آن مي شويم. يك کسي يك كيلو طلا دارد، اين مقدار طلا پارسال يك ميليون بوده و خمسش را داده، فرض کنيم خمس را 200 گرم از همين طلاها داده و شده 800 گرم، يعني يك كيلويي پارسال داشته يك ميليون ارزش داشته و 200 گرمش را 200 هزار تومان داده و 800 گرمش را 800 هزار تومان داده، حال امسال همان 800 گرم شده 3 ميليون، از جهت جنسي اضافه اي ندارد بلکه همان 800 گرم است، شما ببينيد خود طلافروش ها مي آيند دفتر ما و ميگويند ما اضافه نداريم بلکه همان 800 گرم را داريم ولو قيمتش بالا و پائين مي رود، ولي ما از جهت مال معيارمان كيلو است، يك كيلو داشتيم و الآن هم يك كيلو داريم، حرف درست هم همين است. ولو مرحوم والد ما (رضوان الله) نظر شريفشان اين بود که نه بايد ماليتش را حساب کنند و به اعتبار ماليت خمسش را بپردازند ولي اين روي حساب دقي اقتصادي ممکن است باشد، ولي اين الآن اضافه اي ندارد بلکه پارسال يك كيلو داشته و امسال هم يك كيلو دارد. علي ايحال معيار ما عرف است، عرف اگر گفت در اينجا زياده وجود دارد، صدق زياده کند، بله يك وقت طلا را مي فروشند تبديل به پول مي شود اين صدق زياده مي کند اما تا مادامي که نفروخته عنوان زياده را ندارد و اما بعضيها هم عنوان زياده را دارد چون هزار تومان بوده و شده 1200 تومان، اين صدق زياده مي کند و بايد خمس اين زياده را بپردازد، اين جواب اول.

و صلي الله علي محمد و آله الطاهرين